



محل اداره

مجلس شورای ملی

شماره تلفن ۲۸۸۹۶ و ۲۸۸۹۵ و ۲۸۸۹۴ و ۲۸۸۹۳ و ۲۸۸۹۲ و ۲۸۸۹۱

روزنامه یومیه

بهای اهتزاز

نمیت اول : (مذاکرات مجلسین) سالیانه ۲۰۰ ریال

نمیت دوم : (آگهی ها) ۶۰۰

شماره کامل ۸۰۰

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل : کلیه قوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلسین - اخبار مجلس - انتصابات - آگهی های رسمی و قانونی

شماره ۱۹۰۲

شنبه ۳ شهریور ماه ۱۳۳۰

سال هفتم

شماره مسلسل ۱۸۱

دوره شانزدهم مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۱۸۱

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز یکشنبه ۲۷ مرداد

ماه ۱۳۳۰

فهرست مطالب :

- ۱- تصویب صورت مجلس
- ۲- بیانات قبل از دستور آقایان: برومند - پیراسته - فرامرزی
- ۳- بقیه مذاکره در لایحه اعتبار بیست میلیون ریال اعتبار جهت دفع سن
- ۴- اخذ رای و تصویب اجازه پرداخت دو دوازدهم حقوق و هزینه کل کشور بابت دومامه مرداد و شهریور ۳۰
- ۵- اخذ رای و تصویب هشت میلیون ریال اعتبار جهت تکمیل آرامگاه و جشن هزاره ابوعلی سینا
- ۶- تقدیم یک فقره لایحه راجع به معالجه کارگران مسلول بوسیله آقای وزیر کار
- ۷- تقدیم لایحه اضافات ۱۳۳۰ وزارت فرهنگ و سه فقره لایحه شهریه بوسیله آقای وزیر فرهنگ
- ۸- طرح فوریت لایحه معالجه کارگران مسلول
- ۹- تعیین موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس ساعت ده و نیم صبح برپاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

(۱- تصویب صورت مجلس)

رئیس - صورت غائبین جلسه پیش قرائت میشود

(بشرح زیر قرائت شد)

غائبین با اجازه - آقایان : شکرانی ، امامی اهری ، بهادری ، منصف ، نصرتیان ، محمد علی مسعودی ، اردلان ، سرتیب زاده ، ناظر زاده ، فرامرزی ، فلامرضا فولادوند ، اسکندری ، دکتر مجتهدی ، قنصلی افشار

گودرزی ، امیری ، قراکوزلو ، قاسم فولادوند ، سلطان العلماء ، محسن طاهری ، جمال امامی ، طباطبائی ، قائمینی بی اجازه - آقایان : محمودی ، خاکباز ، دکتر مصباح زاده ، دولت آبادی ، اعظم زنگنه ، خسرو قشقانی ، حاذقی ، مجتهدی ، حسن اکبر ، تولیت ، رضوی ، سودآور ، هراتی ، مغیر فرهمند ، محمد ذوالفقاری ، جواد مسعودی ، صدر میرحسینی

دیرآمدگان با اجازه - آقایان : شوشتری دو ساعت - پالیزی دو ساعت - دکتر طبا سی دقیقه - دکتر راجی سی دقیقه - دکتر هدایتی سی دقیقه - دکتر سید امامی سی دقیقه

دیرآمدگان بی اجازه - آقای سلطانی سی دقیقه
رئیس - نسبت بصورت جلسه پیش نظری نیست؟ آقای صدرزاده
صدرزاده - در صورت جلسه قبل پارهای کلمات اشتباهاً در صورت مجلس نوشته شده آنها را اصلاح می کنم و به تندنویسی تقدیم می کنم ضمناً می خواستم از این وقت استفاده کنم و از مقام محترم ریاست استدعا میکنم که راجع به لایحه زندانیان که گزارش آن امروز در کمیسیون دادگستری تنظیم شده دستور فرمائید که در جلسه آینده مطرح و تصویب بشود

رئیس - تصور می کنم که همه آقایان باین موضوع موافقت دارند مانعی ندارد که در جلسه آینده مطرح بشود آقای دامری

دامری - گزارش آن حضرات
رئیس - آقای کشاورز صدر
کشاورز صدر - بنده پنج دقیقه وقت میخواستم عرضی داشتم

رئیس - نسبت بصورت مجلس نظری دارید

کشاورز صدر - خیر مطالب لازمی است میخواهم عرض کنم

رئیس - آقای آشتیانی زاده

آشتیانی زاده - بنده امروز آمدم ثبت اسم کنم برای اظهارات مشروح وقت نشده در جلسه آینده راجع بوضع کارخانه ها و کارگران لازم است که

منصفاً صحبت کنم والا اذن فرصت استفاده می کنم و این نامه را تقدیم می کنم که مربوط بیک عده ای از کارگران متعصب در مجلس است

کشاورز صدر - استدعا میکنم آقایان اجازه فرمایند پنج دقیقه دفاعی از خودم بکنم

رئیس - در جلسه پیش در بین نطق آقای مکی یک جمله ای نسبت به آقای نخست وزیر عراق اینجا ذکر شد که موجب گله سفارت عراق گردیده است میخواستم عرض کنم که هیچ نظر خاصی در بین نبوده زیرا روابط و مناسبات ما با کشور و ملت عراق از نظر هم دینی و علاقه هم کشی و از لحاظ مناسبات تاریخی بر پایه محکم مستقر است و همیشه حسن مناسبات و حفظ علائق مورد توجه خواهد بود (نمایندگان - صحیح است) نسبت بصورت مجلس نظری نیست (اظهاری نشد) صورت مجلس تصویب شد

(۲- بیانات قبل از دستور

آقایان: برومند - پیراسته

فرامرزی)

رئیس - مذاکرات قبل از دستور شروع میشود آقای برومند
برومند - چنانکه آقایان محترم بخاطر دوازدهم شهریور ۱۳۳۰ سایگان عزیز ما از شمال و جنوب بکشور ما حمله کردند و کشور ما را اشغال کردند و واقفان حق همسایگی را بجا آوردند در مدتی که آقایان در کشور ما بودند دار و ندار ما را بردند و سایل ما را بردند با اسکناسهای خودمان تمام غلات کشور را جمع آوری کردند در حالیکه مردم این کشور از گرسنگی هلف می خوردند غلات ایران را بخارج حمل کردند ملت بردبار و نجیب ایران در مقابل

• این مذاکرات مشروح صد و هشتاد و یکمین جلسه از شانزدهمین دوره قانونگذاری

اداره تندنویسی و تحریر صورت مجلس

تمام این مصائب تحمل کرد و فقط یک دلخوشی داشت و آن این بود که میگفتند ما برای تأمین آزادی بشر و حفظ حقوق ملل کوچک میبکنیم دولت ایران فقط این امیدواری را داشت که آن مصائب را تحمل کند تمام خسارات و صدمات را تحمل نمود که در مقابل آن آزادی پیدا میکنند بعد از جنگ چنانچه ملاحظه فرمودید که فرانس سافرانسیسکو تشکیل شد و در آنجا منصور ملل متفق نوشته شد و تصویب نمایندگان ملل متفق دولتی که در جنگ شرکت داشتند رسد و در آن منشور حفظ حقوق ملل کوچک را قید کردند و حق حاکمیت برای ملل مخصوصاً ملل ضعیف قائل شدند و همچنین اعلامیه حقوق بشر صادر شد و هر چه و عهد دیگر دادند برای اینکه ملل کوچک مطمئن باشند که در یک محیط آزاد و با استقلال کامل و داشتن حق حاکمیت میتوانند زندگی کنند متأسفانه در همان اوان که این مذاکرات بود دیدیم که آقای کافران از طرف همسایه معظم دولت روسیه آمد به ایران و من غیر حق به آنکه قوای که در ایران داشتند نفت شمال را مطالبه کردند و کار با آنها رسید که قوتشان را در تاریخی که باید از ایران خارج بکنند خارج نکنند و رئیس دولت وقت آقای قوام السلطنته مجبور شد بسکو برود و در آنجا بعد از مذاکرات زیاد قرارداد قوام-سادیچیک را منعقد کردند و چون اجرای آن منوط بتصویب مجلس شورای ملی بود آوردند به مجلس شورای ملی تقدیم کردند نمایندگان دوره یازدهم که آن قرارداد را بر علیه مصالح و منافع ایران میدیدند آنرا رد کردند و در ضمن رد آن قرارداد دولت را مکلف کردند که استیفای حقوق از دست رفته ایران را از نفت جنوب بنمایند در نتیجه آن تکلیفی که برای دولت معین شد دولت جناب آقای ساهه با شرکت سابق نفت جنوب وارد مذاکره شد و نتیجه آن مذاکرات مجلس یازدهم شد که در روزهای آخروا آن وضعی که ملاحظه فرمودید و همه آقایان اطلاع دارند و در جریان منتهی شد در روزهای آخر مجلس یازدهم با مخالفت آقای سکی و سایر نمایندگان که تأیید کردند بیانات ایشان را در شد یعنی بتصویب نرسید و تقریباً در حکم رد بود یعنی اگر مجلس ادامه داشت و روزهای آخر عمر مجلس نبود قطعاً مجلس یازدهم آنرا رد کرده بود بعد از این قرارداد بنور شازدهم کشید تا با این بحثهای مفصل مذاکراتی که از اول دوره تقریباً اغلب اوقات مجلس مصروف کار نفت شده است بالتبیین طبق منشور ملل متفق یکمده از آقایان نمایندگان مجلس و هم چنین دولت آقای

دکتر مصدق که روی کار آمد تصمیم گرفت که از حق حاکمیتی که منشور ملل متفق برای ما سایر ملل قائل شده بود استفاده بکنند و نفت را ملل اعلام بکنند مقصود از ملی کردن صنعتی این است که اگر منافع خصوصی اغراضی یا کمپانی هائی در آن صنعت دارند یا در آن معادن دارنده باشند یا در آنجا منافع عمومی باشد بر این بعد از اعلام ملی شدن نفت ایران برسد و صرف ملت و مصالح کشور ایران بشود (صحیح است) یعنی هیچ کمپانی یا هیچ شخص دیگری نمیتواند منافع خصوصی در نفت ما داشته باشد بالاخره بعد از مذاکرات زیاد و آمدن مستر جاکسن و نمایندگان شرکت سابق نفت که مذاکراتشان هم بجائی نرسید و در جلسه اول قطع شد کار منجر بیانچی گری دولت امریکا و آمدن مستر هرین بایران شد ایشان بعد از اینکه تشریف آوردند بایران با دولت و همچنین با هیئت مختلط و کمسیون مختلط نفت تماس گرفتند بالاخره روی اصولی که دولت با ایشان رفتند بلندن که مذاکره بکنند چنانچه آقایان انگلیسها و شرکت سابق نفت یا دولت انگلیس که امروز در پوست شرکت سابق نفت است خواستند بیایند بایران و مذاکره بکنند روی آن اصول شروع بنماد کرد و در فروعاتش اینجا توافق حاصل بشود آنجا که بنده اطلاع دارم که آقای هرین داده شده بود این بود که ملی شدن نفت را برسمیت بشناسند یعنی همانطور که قانون وضع شده و مجلسین شورای ملی و سنا تصویب کرده است بشناسند و مقصود از ملی شدن هم این است که بهره برداری و اکتشاف و استخراج نفت صرفاً باید بدست ایرانی و دولت ایران انجام بگیرد یعنی هیچ کمپانی و شخص دیگری چه از داخل و چه از خارج نمیتواند نظارت داشته باشد دولت باید اینکار را بکنند دیگر از چیز مجلس یازدهم شد که در روزهای آخروا آن وضعی که ملاحظه فرمودید و همه آقایان اطلاع دارند و در جریان منتهی شد در روزهای آخر مجلس یازدهم با مخالفت آقای سکی و سایر نمایندگان که تأیید کردند بیانات ایشان را در شد یعنی بتصویب نرسید و تقریباً در حکم رد بود یعنی اگر مجلس ادامه داشت و روزهای آخر عمر مجلس نبود قطعاً مجلس یازدهم آنرا رد کرده بود بعد از این قرارداد بنور شازدهم کشید تا با این بحثهای مفصل مذاکراتی که از اول دوره تقریباً اغلب اوقات مجلس مصروف کار نفت شده است بالتبیین طبق منشور ملل متفق یکمده از آقایان نمایندگان مجلس و هم چنین دولت آقای

مذاکراتی که قبلاً شده است بخصوص با حسن نیتی که شخص آقای هرین در حال این قضیه دارند و با وساطت دولت امریکا مذاکرات بیک جانی برسد که بخیر و صلاح طرفین باشد و این کار خانه پیدا بکنند که هم آنها از مضیقه نفت خارج بشوند و هم ما از این بلا تکلیفی خلاص بشویم متأسفانه بر روی زمین پیشنهاداتی که استو کس بدولت ایران داد مثل این است که تمام این حرفهائی که از یکسال پیش تا حال در ایران گفته شده است تمام مبارزات تمام میتینگ ها، تمام سخنرانی هائی که از طرف نمایندگان مجلس شده است تمام کمسیونها بهیچوجه من الوجوه اتفاق نیفتاده یک پیشنهادی کردند که از پیشنهادی که در زمان دولت اسبق کرده بودند برآورد بدتر است برای اینکه آنروز صدی پنجاه پیشنهاد کرده بودند یعنی نصف عواید نفت مال ما باشد و نصف مال آنها ولی این شرط را نداشت که ماشین آلات و وسایل کار را ما بخیریم و پولش را بدهیم و توزیع نفت را که در داخله ایران هر سال مبلغی ضرر دارد قبول کنیم در این قرار داد تمام آنها را بدهد ما گذاشته اند و از آن نفع خالص که بدست می آید پیشنهاد کرده اند که در خلیج فارس نصفش را آنها بگیرند و نصفش را بسا بدهند و من نمیدانم که این چه جور پیشنهادی است و آنها چه جور فکر میکنند این پیشنهادی که آنها داده اند با ملی شدن نفت چه جور منطبق می شود؟ و بچه قاعده ای درست در می آید؟ بنده ناچارم با این عدم توجهی که نمایندگان انگلیس دارند و با این بی مهری که نسبت به ما میکنند یک حقیقت ناخوشی را اینجا یاد آور بشوم و آن اینست که عده ای در کمین نشسته اند و میخواهند ببینند که نتیجه این عکار چه میشود و بکجا می کشد و بی مختصر بهانه ای می گردند که همه جور دست اندازی بمملکت ما بکنند البته اگر چنانچه ما مورد تجاوز قرار گرفتیم این تنها ضررش متوجه ما نخواهد شد یعنی تنها ما از بین نخواهیم رفت این برای صلح جهانی خطر ناک است و برای انگلستان هم بعد از ماملسماً و بطور قطع خطر دارد و بنده تصور می کنم آقایان وصیت بطر کبیر را فراموش کرده اند که روسیه بهر تقدیری که هست بهر قیمتی که هست باید بخلیج فارس دست پیدا بکنند بنده تصور می کنم که نفت ما برای آنها ضروری نباشد برای این که در دو جنگ دیده شد که آنها بقدر کافی نفت دارند و احتیاج نفت ما ندارند و این مملکت لم بزعم هم چندان سودی ندارد و آنها اگر انرژی دارند و کوشش و جود جبهه می کنند که بمملکت ما دست پیدا کنند و با تحریکاتی می شود از طرف عناصر

مخل داخلی آنها فقط منظورشان این است که به خلیج فارس دست پیدا کنند و این ناسازگاری که با ما شده است و این عدم توجه و بی اعتنائی که بافکار عمومی ملت ایران شده است که تمام این مبارزات و تمام این کشمکشها را نادیده گرفته اند و توجه نمی کنند بنده فکر می کنم که بطور قطع این خطر را در بر خواهد داشت و بنده از پشت این تریبون اعلام می کنم که اگر چنانچه خطری متوجه شد از این راه مؤسلس دولت و ملت ایران نیست و چنانچه صلح جهان در خطر افتاد و ممالکی از این موضوع خطری ضروری دیدند تمام تقصیر متوجه آن کسانی است که نمی خواهند بخواست ها و امیال ملت ایران توجه کنند و حقوق حقه ما را بدهند موضوع دیگری که می خواستم بعرض مجلس شورای ملی برسانم از قرار اطلاع دو اثر اختلافی که بین پاکستان و هندوستان ایجاد شده است قوای ارتش هندوستان در مرز پاکستان متمرکز شده است و این بسیار موجب نگرانی مسلمانان پاکستان که با ما برادر وهم کیش هستند شده است (صحیح است) و هم چنین مسلمانهای کشمیر، این نه تنها موجب نگرانی مسلمانان پاکستان و کشمیر است بلکه بنظر بنده عموم ایرانیان که با آنها هم کیش هستند و سایر مسلمان های دنیا از این پیش آمد نگران هستند و امیدوارم دولتین هندوستان و پاکستان بتوانند با توافق و وحدت نظر این اختلاف را رفع بکنند که خدای نکرده کار به کشمکش و جنگ و جدال نکشد (انشاءالله) موضوع دیگری که در جلسه قبل حضور آقایان عرض کردم راجع بفرهنگ بود و حالا بخصوص از حضور آقای وزیر فرهنگ استفاده میکنم راجع به متد بیژن مهرداد که البته گواهینامه ای هم دارد که بطور خصوصی هم خدمت آقایان کردم تقاضای او این است که وزارت فرهنگ قرارداد با ایشان منعقد بکنند که ایشان بجای شاگرد درس دادن معلم تربیت بکنند و از قرار این که ادعا میکند در سالش هزار معلم میتواند تربیت بکنند که هر معلمی در ظرف هفتاد روز یک روز نه یک روز دهر جلسه یازده دقیقه و یا ده دقیقه عده زیادی را میتواند در حدود کلاس سه و چهار ابتدائی تربیت کند و بنظر بنده این امتحاناتی که داده و گواهینامه هائی که داده است و مورد تأیید وزارت فرهنگ هم قرار گرفته است چنانچه آقای دکتر سنجابی بنظر توجیهی بفرمایند اقدامی بفرمایند این بهترین راه است برای تعلیمات اجباری و ضمناً این متد را چاپ کرده اند و تقاضا

کرده اند که خدمت آقایان نمایندگان محترم تقدیم بکنم که از این راه بیشتر یک نتایجی بگیرند و یک کمکی بشود که انشاءالله وزارت فرهنگ توفیق پیدا کند که از این مرد که زحمت کشیده است نتیجه ای ببرد رئیس - آقای برومند وقت شما اجازه بفرمایند تقدیم کنم این یک نگرانی است از امر افر که توسط آقای حبیب رسیده است مردم مراغه از عموم نمایندگان مجلس و دولت و همچنین از توجهات بنده کان اعلی حضرت و همایونی نسبت بکار رفت و پیش رفتی که در این امر شده است البته تا آنجا که شده و انشاءالله بعد هم بخوبی خاتمه خواهد پذیرفت قدر دانی و سیاست گذاری کرده اند که حتماً تقدیم مقام ریاست میکنم لنگرانی دیگری هم از طرف اهالی ادرشده که از جناب آقای امامی امری قدر دانی کرده اند که باهت ایشان کارخانه برقی وارد شده است و شهر را روشن کرده اند (احسن) رئیس - آقای پیراسته - عرض کنم برای یک دفعه دیگر در پشت این تریبون تکرار میکنم و به نمایندگان خارجی که بدولت ایران مشغول مذاکره هستند پیام میفرستم که مسئله فقط مسئله ای است مربوط به تمام ملت ایران و مربوط بیکدسته خاصی نیست و ملت ایران کمال علاقه را دارد که بحق خودش برسد و بعد از سالها رنج و تعب باین دستگاه خاتمه داده شود و بعد از سالها بدبختی و بیچارگی بتواند با دست خودش و با عوائد خودش جبران معرومیت های خودش را بکند و امامت سافانه چون حالا بنده وسیله ندارم و دولت هم لکن قرار شده که در جلسه خصوصی به مجلس گزارش بدهم بنده می بینم گفته میشود مذاکرات روی ۳ ماده یابوری ۴ ماده است بنده نفهمیدم که ۹ ماده چیست و چهار ماده چیست؟ (کنج - چهار ماده فرمول است) اگر ۹ ماده است پس چهار ماده کدام است؟ و اگر ۴ ماده است پس این ۹ ماده از کجاست بنده انتظار دارم که دولت بیاید و این مسائل را روشن بکند و باز تکرار میکنم که این مسئله مربوط بدسته خاصی و فرد معینی نیست و تمام ملت ایران به این مسئله علاقمندند و میخواهند که خواسته های ملت ایران عملی شود (صحیح است) در هر صورت دولت باید توضیح بدهد که این ۹ ماده چیست و ۴ ماده کدام است (فرامرز) - هر چه باشد که بالاخره دولت باید بیاید و به مجلس عرض دیگری بنده این است که بنده معتمدی که

وقت مجلس شورای ملی آنهم در یک همچو موقع خطیری بایستی صرف امور مهم مملکت بشود و کمتر با امور دیگر بیردازد بنده تا حال سعی کرده ام که آنچه که گفته ام و میکویم بیشتر مطالب کلی و راجع با امور مهم مملکتی باشد و هیچوقت مطالب شخصی را نگفتم حتی راجع به حوزه انتخابیه اگر حرفی داشته ام به وزرای مسئول رجوع کرده ام هیچوقت در مجلس عرضی ننمودم ولی بنظر بنده اگر یک نماینده ای به اعتبار شغل نمایندگی مورد حمله قرار بگیرد چاره ای ندارد جز اینکه از تریبون مجلس شورای ملی استفاده کند (فرامرز) اگر این عمل در مجلس انجام بگیرد حمله توی کوچرا باید توی کوچره جواب داد (صفائی) - بعنوان نمایندگی است آقای فرامرز (اگر کسی نتواند از خودش دفاع بکند محققاً نمیتواند از منافع جامعه دفاع بکند مگر در مجلس راجع بقتل مطبوعات و حتی در مجلس راجع بقتل محمدهمسعود صحبت شده و میشود نمیدانم چرا در میان این عده دلسوز برای این موضوع تا کنون برای تعقیب آن هیچگونه اقدامی ننموده اند حتی در دولت حاضر هم کفالت انتقاد کنندگان وابسته بدولت و تمام دستگاهها در اختیارشان است چرا تعقیب نشده است بنده نامه ای به آقای دکتر مصدق نوشته ام که عیناً بعرض مجلس شورای ملی میرسانم. بنده در دوازدهم مرداد ۳۰ - جناب آقای دکتر مصدق نخست وزیر محترم بطوریکه خاطر عالی مسیوق است راجع به قتل مرحوم مسعود مدتی روزنامه مرد امروز در مجلس و خارج مطالبی اظهار شده و میشود و این موضوع وسیله آن انواع اتهامات و اسنادات راجع به مغالفتن شخصی و سیاسی خود نسبت دهند چون طرح این موضوع در دادرسی طهران هنگام دادستان اینجناب بود باین بهانه مغالفتن بنده گاه بگاه مرا نیز مورد حمله قرار داده و میدهند. در اوایل دوره ۱۶ طرحی با مضای بالغ بر چهل نفر از نمایندگان از جمله اینجناب تقدیم مجلس گردید که بشخص جناب عالی و چند نفر دیگر از نمایندگان بیطرف و بیطرف مجلس و چهار نفر از قضات دیوان کشور اختیار داده شود که به پرونده امر رسیدگی فرمایند متأسفانه بوضعی که استحضار دارید طرح مزبور به تصویب نرسید. در اینصورت تقاضای من اینست که در این پرونده و در این امر که بنده دادستان بودم چه شخصاً و چه

برای رسیدگی صادر فرمائید و ظاهراً کثرت گرفتاری جناب عالی مانع از توجه به این امر شد و چون بیم آن می رود که در زمان زمامداری آن جناب هم باین موضوع رسیدگی بعمل نیاید و گداگان مردم از جریانه این پرونده بی اطلاع به نند بدین وسیله خاطر شریف را یاد آور و استدعا میشود که بوسیله هر کس و بهر نحو که مقتضی میدانید دستور فرمائید نسبت باین پرونده رسیدگی به عدل آید تا حقیقت امر روشن شود و خون یک نفر روزنامه نویس شهید یا مال اغراض شخصی و سیاسی اشخاص نگرند و اگر کسی هم در جریان رسیدگی قصور یا تقصیری کرده مجازات قانونی برسد و عامه نیز از جریان امر مستحضر شوند و چون با کثرت گرفتاری آن جناب و اشتغال تمام اوقات شریف بمسائل مهم مملکت درخ آدمم که مطالب خود را حضوری عرض و وقت جناب عالی را تشییع کنم بوسیله این نامه در صدد تصدیق برآمدم - با تقدیم احترام - سید مهدی پیراسته. توضیحاً عرض میکنم حضور آقایان وقتی که این جنایت فجیع بوقوع پیوست باشد وحدت بیشتری از آنروز اشخاصی سعی کردند که از این جنایت سوه استفاده کنند و باین طریق سعی کردند که مخالفین خودشان را آلوده کنند بنده از همان روز اول از جناب آقای دکتر مصدق که نخست وزیر نبودند و نماینده هم نبودند استدعا کردم که قیومت صغیر قید سعید را بعهده بگیرند و منظورم این بود که آقای دکتر مصدق که مورد اعتماد عامه است بعنوان شاکی خصوصی در این پرونده نظارت داشته باشند آقای دکتر مصدق این استدعای بنده را قبول کردند بعد از چند روز استحضار آن مرحوم مسعود اعتراض شد یعنی کسی دیگری پیدا شد و ادعا کرد که شخصی و سیاسی خود نسبت دهند چون وارث مسعود است آقای دکتر مصدق استفا دادند بنده چون عهده داشتم که از اشخاص حقوقدان مورد اعتماد این قیومت را قبول بکنند و ناظر پرونده باشند بعضرت آیت الله امام جمعه تهران و بنده ای از استادان دانشکده حقوق و قضات عالی مقام و کلای معروف دادگستری مراجعه کردم و تمام این آقایان بواسطه همان چار و چنجالی که بود قبول نکردند و مطمئن با امور قضائی بخوبی میدانند که دادستان در جنایات حق رسیدگی ندارد و این حق منحصراً بعهده باز پرس است که بوسیله دستگاه کشف جرم وظیفه خودش را انجام میدهد و دادستان حق نظارت ندارد و بیشتر از نظارت حق ندارد و در این پرونده که بنده دادستان بودم چه شخصاً و چه

های سیاسی که امروز یاد شده است و تمتد افترا متاع را بیجا است بنده خیال نمی کنم که طرفدار افکار چپ و افراطی و کمونیسم بدانند باین مقدمه عرض میکنم که یکدسته از کارگران امروز صبح که آمدیم آمدند شکایت کردند و حرفشان این بود که ما را رؤسای مربوطه ما بیا گفتند که ما برویم در یک دسته‌های معینی چون نرفته ایم ما را بیرون بگردانند ما نظور که عرض کردم به چه چو کسی نمیتواند ببیند این نسبت را بدهد که بنده کمونیست و طرفدار افکار چپ هستم ولی این مسئله را همیشه عرض کردم که نمیشود طبقه کارگر را که واقعا طبقه زحمتکش و وطن پرست مملکت است بزور نیشود او را اجبور کرد که برود و از رویه خودش دست بردارد باید تحقیق کرد دید موجب عدم رضایتش چیست برای مردم نان باید تهیه بشود فرهنگ و بهداشت تهیه شود مسکن تهیه بشود و البته شما تمام وسائل را دارید ملت ایران مسلمان است ملت ایران وطن پرست است روح ایمان در آن کارگر فوق العاده قوی است شما باید از آن کمال استفاده را بکنید و نگذارید ناراضیاتی ایجاد بشود و البته بنده متکرر این هستم که یک کسی را بشود بزور وادار کرد که یک مسلکی را قبول بکند نامه هائی هم به بنده نوشته اند که بنده تقدیم مقام ریاست می کنم و استفاده می کنم که آقایان توجه بفرمایند که این آقایانی که متعصن شده اند رفع شکایتشان بشود و از حضور هیئت محترم دولت هم استعفا می کنم که بعرض ایشان توجه بشود و رسیدگی بکنند و همینطور یکمدهای دیگر از هر کت سابق نفت و طرز کار آنها شاکی هستند و در هیئت مدیره هم شکایت اینها رسیدگی نشده بنده تقاضا می کنم از دولت که شکایت آنها رسیدگی بشنایند بین آنها یک نفر مسلول هم هست بایستی حتماً باینها توجه بکنند این آقایان معصنین شکایت دیگری داشتند که می گفتند از ورود بقیه رفقای دیگر ما به مجلس شورایی جلو گیری شده است با توجه باینکه تعصن اشخاص در مجلس برای هیئت رئیسه تولید اشکال می کند متذکر میشوم که اینجا خانه مردم است، پناهگاه مردم است مردم بنده دیگری ندارند اگر مردم به مجلس شکایت نکنند بکجا شکایت بکنند؟ نباید از دست مردم این آخرین پناه و ملجاء را گرفت (صحیح است) یقین دارم که جناب آقای رئیس توجه خواهند فرمود و استعفا دارم که این موضوع توجه بفرمایند اگر شاکار گروا در مجلس راه ندهید کارگر خدای نخواسته روی حسابات روی عدم اطلاع روی تمصب خدای نکرده پتیریک تبلیغات خارجی متوسل به اشخاص خارجی ایران بر باوده که طرفدار این

هستند که استقلال ما از بین برود خواهند گردید به براین من یقین دارم که افکاری که باعث میشود ایران را تهدید می کند اینها را بایستی که جلوش را با تأمین و سایر زندگی و بهداشت و فرهنگ گرفت عرض دیگر این است که آقایان محترم گزارش دیروز مجلس سنا را بهیچ بواقمه ۲۳ تیر لایحه برضشان رسیده در این گزارش صریحاً قید شده است که شخصی متصدی کار مشؤل این وقایع بوده است بنده نمیدانم که کی بایستی به این کار رسیدگی بشود باینوسیله بنده برای اینکه به این کار رسیدگی بیشتری بشود اعلام جرمی تهیه کرده ام که تقدیم مقام ریاست می کنم و استعفا دارم که مطابق نظامنامه فرائت بشود و بعد هم به کمیسیون مراجعه شود بنده در کمیسیون توضیحات بیشتری خواهم داد همین اعلام جرم را تقدیم مقام ریاست میکنم و همین شکایتی را هم که آقایان کارگران کرده اند تقدیم مقام ریاست میکنم و استعفا بادل توجه دارم

رئیس - آقای نریمان
نریمان - بنده نوبتم را به آقای فرامرزی دادم
رئیس - آقای فرامرزی
فرامرزی - تشکر میکنم از جناب آقای نریمان که اظهار لطف فرمودند و وقتشان را به بنده دادند که بنده بعد از یکماه و چیزی بیماری حالا که حرکت کرده ام هراعضی بکنم متهم جناب آقای پیراسته می خواستم راجع بتعصنین صحبت بکنم بطور کلی عرض میکنم که اینها یک عده ای هستند که مسلول بودند این کارگر دای شرکت نفت و بعضی شان کار دارند و بعضی ندارند بعضی کارگر و کار آموز هستند و بعضی نابینا کارخانه ها هستند و کسان دیگر اگر اینها کسانی هستند که حتی دارند رسیدگی بشود و اگر حتی هم برای آنها نیست دیگر معنی ندارد آنطور که جناب آقای پیراسته فرمودند تمام کارگرا بیایند و در مجلس تعصن اختیار بکنند یکی دوتا نابینا ایشان که آمد رسیدگی بکنند و اگر دیدند حق دارند رسیدگی بشود و اگر نه باید گفت که تشریف ببرید فعلاً از وجود چند نفر از اعضای هیئت دولت میخواهم استفاده بکنم و متعصن دارم که جناب آقای امیر مایون اینجا بودند و حالا نیستند در این راه لایحه ارسال مقداری پول خرج آنجا میشود و به وقت نام نمی شود و من تعجب میکنم که چرا پول خرج میشود برای اینکه مطلقاً مزد کارگران را ندهند و وقتی که پول بکارگر ندهید من تعجب می کنم که شما چرا تمام مملکت

را اسفالت نمی کنید؟ من موافقم که پول از دولت نگیرند و بهمانها ندهید و راه درست بکنید و اگر پول می گیرید و از خزانه دولت برداشت می کنید با اینکه حقیقه از صدی نودش را می خوردید ده تا ش را لاقول بدم بدهید این را هم استعفا میکنم هیئت دولت رسیدگی بکند که چرا مزد کارگران راه ساحلی و راه لار را ندهند؟ چرا نمیدهند؟ کی میخورد این پول را؟ تند کردید بگری داشتیم راجع بوسائل ارتباط لارستان آنجا بست را با الاغ میبرند آن الاغ هم مال خود پستخانه نیست که مستقیماً برود مثلاً یک قسمت از بندر لار به بندر لنگه ۲۸ روز الی ۲۹ روز میرسد برای این که یک الاغ داری که راه می افتد می رود و بست را می برد بین راه معامله و پیشه روی مشؤل میشود خواهش کردیم که در ۳ بخش لارستان سه تا دستگاه بسیم بگذارند این دستگاه بسیم یکی صد تومان قیمتش بیشتر نیست که خودشان را با آنوسیله ارتباط بدهند با مرکز آقای وزیر بست و تلگراف بصورت اینکه یک تشکیلاتی مثل این جامی خواهیم بدهیم میگوید بسیم بخریم؛ بسیم دایر کنیم؟ آقا بی بسیم یکی صد تومان تمام می شود سه تا صد تومان می شود سصد تومان سه تا دویست تومان می شود شخصه صد تومان در هر بخش که صد تا آبادی دارد و هیچ وسیله ارتباط ندارد شما نمی خواهید یک بی بسیم صد تومانی بگذارید برای این که وزیر بست و تلگراف نمی فهمد بی بسیم یعنی چه؟ مردم وسیله ارتباط ندارند باید کفاره چهل وی اطلالی وزیر بست و تلگراف را مردم بدهند اگر پول نمی دهید بی بسیم بخرید بی بسیم وزیر بخرید که چیز فهمد (محمودی - بسیار آدم خوبی است) بسیار آدم شریفی است اما بسیار آدم نفهمی است با این که جناب آقای دکتر مصدق رسماً به ایشان نوشته اند که در این سه بخش لارستان و سایر ارتباط بگذارید آنها را که مأمور ملع بودند مأمور نظامی بودند وسیله بی بسیم داشتند این جاها هم بخرید بگذارید ولی تا بحال ترتیب اثر نداده اند مطلب دیگر میخواستیم از موقع استفاده کنیم و از این رویه ای که دولت در مقابل پیشنهاد های مستر استوکس پیش گرفته تقدیر کنم (صحیح است) از دولت کمتر مصدق از شخصه

داشتم و دکتر مصدق هم انتظار ما را بر آورد و من بنوبت خودم از ایشان تقدیر می کنم اینها برای چه آمدند؟ اگر آمدند که همان الفاظی که اول می زدند پس و پیش بکنند یا عرض بکنند و مطلب و مفهوم همان باشد که آن بود احتیاجی باین گفتگو ها نبود احتیاجی بحمت ایشان نبود (اسلامی - اولی بهتر بود آقا) می خواهم عرض بکنم که این طور لفظ عوض کردن و عبارت را پیچیده تر کردن و باز همان چیزهای اول را خواستن این مسخره کردن ملت ایران است (صحیح است)

اینها قبول دارند که این نهضت را ملت ایران کرده و ملت ایران علاقه مند باین موضوع است یا قبول ندارند؟ اگر باورشان است که یک ملتی قیام کرده است و یک هیئتی حرف می زند باید بطوری کنار بیایند و حرف بزنند با آن دولتی که از طرف آن ملت است بلکه راضی بشود بگذارند این دستگاه بسیم یکی صد تومان قیمتش بیشتر نیست که خودشان را با آنوسیله ارتباط بدهند با مرکز آقای وزیر بست و تلگراف بصورت اینکه یک تشکیلاتی مثل این جامی خواهیم بدهیم میگوید بسیم بخریم؛ بسیم دایر کنیم؟ آقا بی بسیم یکی صد تومان تمام می شود سه تا صد تومان می شود سصد تومان سه تا دویست تومان می شود شخصه صد تومان در هر بخش که صد تا آبادی دارد و هیچ وسیله ارتباط ندارد شما نمی خواهید یک بی بسیم صد تومانی بگذارید برای این که وزیر بست و تلگراف نمی فهمد بی بسیم یعنی چه؟ مردم وسیله ارتباط ندارند باید کفاره چهل وی اطلالی وزیر بست و تلگراف را مردم بدهند اگر پول نمی دهید بی بسیم بخرید بی بسیم وزیر بخرید که چیز فهمد (محمودی - بسیار آدم خوبی است) بسیار آدم شریفی است اما بسیار آدم نفهمی است با این که جناب آقای دکتر مصدق رسماً به ایشان نوشته اند که در این سه بخش لارستان و سایر ارتباط بگذارید آنها را که مأمور ملع بودند مأمور نظامی بودند وسیله بی بسیم داشتند این جاها هم بخرید بگذارید ولی تا بحال ترتیب اثر نداده اند مطلب دیگر میخواستیم از موقع استفاده کنیم و از این رویه ای که دولت در مقابل پیشنهاد های مستر استوکس پیش گرفته تقدیر کنم (صحیح است) از دولت کمتر مصدق از شخصه

خضرترا می خواهم ببینم گفت خیال کن من خضرت هستم چه می خواهی گفت تو خضرت نیستی و بر راست می گوئی بیا این بیل مرا بار بکن گفت چیزی نیست چشمت را هم بگذار چشمش را بهم گذاشت بعد که باز کرد دید بیلش یارو شده آن شخص هم رفته و خضرت هم نیست حالا اگر معجزه قایان این باشد که بعد از این هیاهو و این کشمکش بیل را یارو کنند اینک نمی شود قیمت بیل که بیش از بارواست چونکه قیمت آهن از چوب بیشتر است (صفا - خضرت ما لاین کار را هم نمی تواند بکند) عرض کنم که تمام آنکه آنها باین امتیازی است گذاشته اند (حائری زاده - موضوعش از بین رفته است و خودشان هم قبول کردند) عرض کردم داشته اند یک شرکت خارجی که در یک مملکتی بیش از یک شرکت داخلی حق ندارد آیا بعد از آنکه در انگلستان صنایع فولاد را ملی کرده اند آن شرکت های انگلیسی که فولاد استخراج میکردند و زغال استخراج میکردند و راه آهن می ساختند بعد از ملی کردن صنایع آنها که منافع ملت را متعصن نیست؛ مگر ملت قبول می کند؛ مگر بعد از دولت یک مجلس و یک سنائی نیست؟ اگر باید کاری بکنند و چیزی بگویند باید کاری بشود که ملت ایران راضی بشود

اینها قبول دارند که نفت مال ملت ایران است یا قبول ندارند؟ و اگر اینطور گفته اند اگر واقعا قبول کرده اند قانون ملی شدن صنعت نفت ایران را؛ اگر قبول کرده اند که نفت مال ملت ایران است و باید هم قبول بکنند بدلیل این که مصادن زغال انگلستان مال انگلستان است بدلیل اینکه ماهی های رودخانه تایمز مال ملت انگلستان است بهمان دلیل معادن سرزمین و نفت ایران مال ملت ایران و ماهی های دریای ایران مال ملت ایران است (صحیح است) باین کارها گفتیم آقا اگر شما اجازه میدهید که انگلیسها برگردند با امریکای آن حقوقی که اول داشتند بآنکه آن حقوق برگردند و بیایدند حکومت بکنند که ما هم اجازه بدهیم اگر در مملکت هم حاق ندارند توی مملکت ما چه حق دارند؟ حق که کوچک و بزرگ ندارد حق که قوی و ضعیف ندارد همانطور که شما بخریدید این بساط استعمار را ما می خواهیم بساط استعمار را از بین ببریم بعد می آیم روی تراضی شخصی و منافع طرفین نه اینکه او بگوید که من چون یک حق دارم تو نباید بکنی بدهی او دیگر هیچ حق ندارد همان طور گذر امریکا دیگر هیچ حق ندارد همان طوری که در هند دیگر هیچ حق ندارد همان طور که در بغداد هیچ حق ندارد این جا هم باید بگوئیم که دیگر هیچ حق ندارد حالا هم ما باید مامله ای بکنیم مثل دو نفر مقابل که منافع طرفین در حدود مامله آزاد

نامین بشود غیر از این را قبول نمی کنیم نه دولت ما قبول میکند نه مجلس ما قبول میکند (صحیح است) و حالا بنده متعصن هستم که اینها از این موقع استفاده به کنند یعنی این موقعی است که ایران و انگلستان میتوانند درست روی منافع طرفین کنار بیایند چرا؟ برای این که اگر آنها راست می گویند ترضیه خاطر ملت ایران را میخواهند قطعاً هم میخواهند یا میخواستند بدلیل همان قرارداد الحاقی که میخواستند با چیز دیگری بدهند اگر راست می گویند امتیاز نامه دارند امتیاز خودتان زیادتر بدهید؟ برای این که افکار عمومی ملت ما را راضی بکنید؛ برای این که خاطر ملت ما را آرام بکنید حق ندارد آیا بعد از آنکه در انگلستان صنایع فولاد را ملی کرده اند آن شرکت های انگلیسی که فولاد استخراج میکردند و زغال استخراج میکردند و راه آهن می ساختند بعد از ملی کردن صنایع آنها که منافع ملت را متعصن نیست؛ مگر ملت ایران راضی بشود و بوسیله دولت طرف اعتماد ملت ایران باشد و ملت ایران مطمئن باشد که این منافع او را دولت نخواهد فروخت بحق یا باطل از دیر زمانی در این مملکت گفته شده حکومت و دولتهائی که می آیند دست نشانده آنها هستند مگر ممکن است که این دولت برود و دولت دیگری بیاید قرارداد ببندد این حرفها تمام شود و ملت راضی شود؟ ملی ترین دولتی که ممکن است در ایران رو کار بیاید همین دولت بیاید و ملت قبول خواهد کرد همین دولت است من نمی دانم دنیا این کار بکجا برسد (احسن - صحیح است)

رئیس - آقای کشاورز صدر یک بیانی دارند که چند دقیقه می خواهند عرض مجلس برسد (معدل - بفرمائید) بفرمائید که میگوئید بایستی با آیین نامه تطبیق بکنند (آشتیانی زاده مخالف نیست) بنده هم میدانم ولی چون بدمسکن است سابقه بشود این است که میخواهم از مجلس کسب اجازه بکنم برای این که سابقه نشود و همین طور فردا ده نفر صحبت می کنند آقای کشاورز صدر چند وقت می خواهید؟

کشاورز صدر - ده دقیقه کافی است

رئیس - برای اینکه ایشان ده دقیقه بتوانند صحبت کنند در مجلس رأی می گیریم آقایان که موافقت قیام کنند؟ (عده کمی برخاستند)

متأسفانه تصویب نشد

آزاد - بنده آقای رئیس اخطار نظام نامه ای دارم بر طبق ماده ۱۶۹ راجع بسؤالات

رئیس - برای سؤالات مکرر که تمام فصولی بر آقایان وزراء نیست زیر همیشه

حاضر هستند حتی امروز جواب یکی از سؤالات را آقای وزیر خارجه کتبی داده اند ما حالا هفته ای یک مرتبه بیشتر مجلس نداریم آقایان یک روز دیگر مثلاً روز سه شنبه را در نظر بگیرید برای سؤالات

آزاد - بنده سه ماه است که از دولت سؤال کرده ام در این مدت سه ماه حاضر نشده اند برای جواب بالاخره ممکن است که این سؤالات از بین برود بایستی جناب عالی یک روزی را تعیین بفرمائید که آقایان وزراء همه حاضر باشند و بیایند جواب سؤالات را بدهند

دکتر خطبای - بکشنبه آتی

آزاد - روز پنج شنبه را قرار بدهید

رئیس - اگر آقایان موافق هستند برای پنجشنبه اطلاع میدهم آقایان وزراء برای جواب سؤالات بیایند

آزاد - یک مطلب دیگری میخواستم عرض کنم روز جمعه نمایان می خواستند متینک بدهند دولت جناب آقای دکتر مصدق برخلاف قانون عده ای را گرفته اند و جسب کرده اند این عمل آقای امیرعلایی برخلاف قانون بوده است

رئیس - پس پنجشنبه برای این کار یعنی سؤالات تعیین شد اول جلسه خصوصی داریم بعد جلسه علنی

(۳- بقیه مذاکره در لایحه بیست میلیون ریال اعتبار جهت دفع سن)

رئیس - لایحه اعتبار دفع سن مطرح است در جلسه پیش آقای معدل یک پیشنهادی داده بودند که هر کس پیشنهاد می کند یا او مخالفت میکند خود عرض کنم که بین من و جناب عالی و نمایان دیگر در امور کشاورزی و اطلاعات تعصبات کشاورزی تفاوتی نیست حتی من کشاورز هست و شما نیستید (نمایان گان) و اگر جناب عالی که ضیاء هستی در امر برق و روشنائی وارد البته مقدم تر بودید این است که استعفا که با این مقدمه منطقی بانظر بنده مخالفتی دارید نکنید آقایان تصدیق من که همین عدم مراقبتها از طرف ما بوده است که کار بجائی کشیده که تمام مالکیت یعنی هشتاد درصد هشتاد و یک صد بودجه بصرف امور برسنی و استعفا و قریه میرسد (صحیح است) بنا بر این عالی توقعم این است که با این پیشنهاد موافقت بفرمائید یک تلگرافی هم بسن از هر سن گرفته اند و یک کافتر این بجهار برانوندها از لارستان نو و اینها را هم به آقای وزیر کشاورز می کنم که انشاء الله بعد از تصویب قانون اقدام بکنند حالا اگر آقای

نی شود

رئیس - آقای وزیر کشاورزی

وزیر کشاورزی - در جلسه گذشته این پیشنهاد آقا فرمودند بنده عرض کنم که تعهد می کنم که این عمل را انجام بدهم حالا معلوم می شود که مورد اعتماد واقع نشده و پیشنهاد اصلاح شده و مطرح است چون بنده همیشه میل دارم که نظارتی در کارها بشود این است که بنده قبول می کنم

رئیس - آقای وزیر کشاورز پیشنهاد را قبول کردند بنا بر این را می گیریم باین پیشنهاد آقایان اینکه موافقت باین پیشنهاد قیام فرمایند (اکثر برخاستند تصویب شد)

پیشنهاد دیگری قرائت می شود (پیشنهاد آقای کشاورز صدر شرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد می کنم از مبلغ هشت میلیارد ریال برای مبارزه با سن دیناری برای خرید اتومبیل هزینه سفر فوق العاده مامور اداری نرسد

رئیس - آقای کشاورز صدر

کشاورز صدر - بنده این پیشنهاد را کردم بتقابل جمیع آقایان نمایان دیدم همه اظهار می دارند که نباید اعتباری بکنم ما می دهیم با ما برسنی و فوق العاده مأمورین اداری و خرید اتومبیل و امثال آن برسد (صحیح است) این را هیچکس تردید ندارد نکته ایرا قیلا عرض کنم تا جناب آقای وزیر کشاورزی مخالفت باینده نکنند ملت است که دیدم که هر کس پیشنهاد می کند یا او مخالفت میکند خود عرض کنم که بین من و جناب عالی و نمایان دیگر در امور کشاورزی و اطلاعات تعصبات کشاورزی تفاوتی نیست حتی من کشاورز هست و شما نیستید (نمایان گان) و اگر جناب عالی که ضیاء هستی در امر برق و روشنائی وارد البته مقدم تر بودید این است که استعفا که با این مقدمه منطقی بانظر بنده مخالفتی دارید نکنید آقایان تصدیق من که همین عدم مراقبتها از طرف ما بوده است که کار بجائی کشیده که تمام مالکیت یعنی هشتاد درصد هشتاد و یک صد بودجه بصرف امور برسنی و استعفا و قریه میرسد (صحیح است) بنا بر این عالی توقعم این است که با این پیشنهاد موافقت بفرمائید یک تلگرافی هم بسن از هر سن گرفته اند و یک کافتر این بجهار برانوندها از لارستان نو و اینها را هم به آقای وزیر کشاورز می کنم که انشاء الله بعد از تصویب قانون اقدام بکنند حالا اگر آقای

بدهید سه دقیقه، یا چهار دقیقه آن مطلبی که داشتم عرض کنم آقایان محترم راجع ببقیه ۲۳ تیر که جلب توجه مجلس را کرد و ترتیباتی شد که موجب این پیش آمد شد از طرف مجلس سنا چند نفر مأمور شدند برای رسیدگی باین امر ...

رئیس - آقای کشاورز صدر بکنند این وقت دیگر

کشاورز صدر - میفرمائید عرض کنم بیدادگری کرده سنا و برخلاف حقیقت گزارش داده است اعضای حزب ایران که همواره تحصیل کرده تندخو و کوشی نمیکند حتی روز نامه آنها و خود متینک دهندگان هم جبهه کار را شرکت نداده بودند و اسم نبرده بودند و این آقایان برخلاف واقع گزارش داده اند و مفرضانه بوده است.

صفائی - دولت خواسته آنها که از پیش خود گزارش نداده اند پیش خود توی خانه شان گزارش را تهیه کرده اند

رئیس - آقای وزیر کشاورزی بفرمائید.

وزیر کشاورزی - آقای کشاورز صدر استدعا میکنم که این عرض بنده را درست توجه بفرمائید فرمودید که جناب عالی و بنده در علم کشاورزی مساوی هستیم اینطور نیست بنده کتابهای کشاورزی فراوان خواندم و مطالعات فراوان کرده ام (کشاورز صدر - املاک زیادی هم دارند) املاک کشاورزی هم دارم سر کار خودتان که مهندس کشاورزی نیستید یک روز بایک مهندس کشاورزی عالم تشریف بیاورید بمنزل بنده و بنده را امتحان بفرمائید مثل آن اشخاص که برای مهندسی کشاورزی امتحان میدهند تا این که گفته نشود که بنده صرفاً ادعا می کنم بنده مطالعات فراوانی بپردازم کشاورزی کرده ام و در امور کشاورزی کاملاً اطلاع دارم این است که جناب عالی بی لطفی فرموده اند این کارها را در آن دوره ای که بقول آقای قوام السلطنه خانه نشین بودم دو سال فراوان کتاب مطالعه کردم و مطالعات فراوان کردم و اما پیشنهادی که فرمودید و تقاضا داشتید که بنده قبول بکنم پیشنهاد آقا را بنده برای مجلس واگذار می کنم.

رئیس - آقای صدر زاده بفرمائید

صدر زاده - عرض کنم برای دفع آفت سن پیشنهاد تصویب یک قانون کافی نیست وسائل لازم است ملاحظه بفرمائید اغلب نقاط که آلوده سن هستند بایستی مأمور و متخصص بان نقاط برای دفع این آفت برود البته آنها هم برای رفتن وسیله نقلیه می خواهند یک مأمور که بفلان نقطه کشور میرود البته فوق العاده میخواند نمی شود برای آنها فوق العاده جدا گانه

رئیس - آقای صدر زاده بفرمائید

صدر زاده - عرض کنم برای دفع آفت سن پیشنهاد تصویب یک قانون کافی نیست وسائل لازم است ملاحظه بفرمائید اغلب نقاط که آلوده سن هستند بایستی مأمور و متخصص بان نقاط برای دفع این آفت برود البته آنها هم برای رفتن وسیله نقلیه می خواهند یک مأمور که بفلان نقطه کشور میرود البته فوق العاده میخواند نمی شود برای آنها فوق العاده جدا گانه

می شود

(شرح زیر قرائت شد)

ریاست محترم مجلس شورای ملی در جواب مراسله شماره ۱۶۱۰۱ - ۲۱/۲۳۰ راجع بلاجه اجازه پرداخت دو دوازدهم حقوق و هزینه کل شور بابت امرداد و شهریور ۳۴۰ که برای اظهار نظر بمجلس سنا ارسال شده بود در جلسه روز شنبه ۲۶ مرداد جاری با نظر موافق عیناً بتصویب رسید.

رئیس مجلس سنا - سید حسن تقی زاده اسلامی - ما با این اظهار نظرها مخالفیم

رئیس ۲ مجلس شورای ملی برای اینکه بمجلس سنا همکاری کامل کرده باشد حتی در امور مالی که قانون اساسی هیچگونه حقی برای مجلس سنا قائل نشده

یک رای مشورتی ما خودمان قائل شدیم اگر آنطور که بنده در روز نامه خواندم آقای رئیس مجلس سنا فرموده باشند بلواچی که از سنا باین جا می آید مجلس شورای ملی بی علائقی نشان میدهد باید عرض کنم هرگز اینطور نبوده ما کمال علاقه و اداریم بکارهایی که از مجلس سنا می آید توجه کنیم و بایستی بدانند که مجلس شورای ملی کارهای خیلی بیش از آن مجلس است (صحیح است)

فرامرزی - اصلاً مجلس سنا بکچیز زائدی است

کشاورز صدر - عصر ام که سنا دیگر لازم ندارد اسلامی - اظهار نظری می چ

رئیس - این امر بجهت نظر مجلس سنا بحکم سابقه بوده است در کمیسیون توافق این قضیه حل خواهد شد

اسلامی - بحکم سابقه نباید باشد اظهار نظری می چ، اینها خیال میکنند اینجا مجلس سنا امریکا است آنها که مدعی نوشتن قانون اساسی هستند چرا قانون اساسی را رعایت نمی کنند؟

صفائی - یک مطالبی هم راجع بلواچی گفته بودند که صحیح نبوده است

رئیس - این مربوط برای نیست قبل از دستور ممکن است بفرمائید رای گرفته می شود به پیشنهاد آقای کشاورز صدر

کشاورز صدر - اگر نمیخواهند

ممكن است بنده پیشنهاد رایس بگیرم چون بسته بنظر آقایان نمایندگان مجلس است

۴- اخذ رای و تصویب اجازه پرداخت حقوق و هزینه کل کشاورزی و ماهه مرداد و شهریور ۱۳۳۰

رئیس - تأمل بفرمائید حالاً میخوانم رای بگیریم نامه مجلس سنا راجع باهتیار ساختمانی آرامگاه بوعلی سینا قرائت می شود

(شرح زیر قرائت شد)

ریاست محترم مجلس شورای ملی در جواب مراسله شماره ۱۵۶۷۱ - ۱۷/۲۳۰ راجع بلاجه مربوط با اجازه اهدای هشت میلیون ریال اعتبار از محل درآمد سال جاری کشور جهت تکمیل ساختمان آرامگاه و تهیه مقدمات و مراسم جشن هزاره حکیم بوعلی اشعار می دارد که لایحه مزبور در جلسه روز شنبه ۲۶ مرداد جاری با اظهار نظر موافق عیناً بتصویب مجلس سنا رسید.

رئیس مجلس سنا - سید حسن تقی زاده

رئیس - همه برای رای کافی نیست (نورالدین امامی - تقصیر ما چیست که اینجا نشستیم بوی الرحمن گرفته ایم)

باید از فرقیاتان بی رسید ۶۵ نفر معطل سه نفر هستند (دو این موقع باورده نفره همه برای رای کافی شد) رای می گیریم بلاجه اعضای هشت میلیون ریال اعتبار آقایان موافقتین ورقه سفید میدهند

(اسامی آقایان بشرح ذیل اعلام و در محل نطق حاضر ورای دادند)

آقایان، آشتیانی زاده - مهدی ارباب - دکتر معظی - دکتر نبوی - دکتر کاسمی - محمد علی مسعودی ابوالحسن حکیمی - جمال امامی - کهید - فرامرزی - صفوی - مزین اعظم زنگنه - محمود معدودی وهاب زاده - بهبهانی - آزاد - دولتشاهی - موسوی - حائری زاده - دکتر بقائی - آبکار - افشار صادقی - دکتر طبای - نبوی - شادلو - صاد تربتی - ابتهاج - اسلامی - خزیمه علم - دکتر جلالی - کشاورز صدر ملک مدنی - تقه الاسلامی - حبیبیه ظفری - مکرم - پناهی - صاحب جمع - صفائی - قرشی - بزرگ نیا قبادیان - غضنفری - نصر تیان - عباسی - گرگانی - هرب شیبانی - دکتر علوی - گنابادی - شهاب خسروانی - رفیع - گودرزی - جواد عامری - دکتر طاهری - دکتر کیان - برومند - سالار بهزادی - معین زاده - معدل - ارباب گیو - کور اغلی - دهقان - مرتضی حکمت دکتر برال - ناصر ذوالفقاری - صدر زاده

(شمارش آراء بعمل آمد نتیجه)

برقرار شد برحاصل گردید

ورقه سفید موافق ۴۱ ورقه - ورقه سفید براسم علامت امتناع ۲۳

رئیس - لایحه اعتبار آرامگاه بوعلی

۱۱- رای تصویب شد

اسامی موافقتین - آقایان: دکتر کیان - دکتر بقائی - ظفری - مهدی ارباب - گودرزی - اسلامی - دکتر معظی - دکتر کاسمی - دکتر نبوی - وهاب زاده - فرامرزی - دکتر طبای - دکتر جلالی - حبیبیه - ملک مدنی - حائری زاده - موسوی - شهاب خسروانی - گرگانی - دکتر علوی - قبادیان - قرشی - صاحب جمع - تقه الاسلامی - کشاورز صدر - آبکار - سالار بهزادی - صدر زاده - ناصر ذوالفقاری - علی محمد دهقان - رستم گیو - مرتضی حکمت - دکتر بزرگ نیا - کور اغلی - معین - دکتر طاهری - گنابادی - عامری - برومند - معین زاده - عرب شیبانی

ورقه سفید بی اسم علامت امتناع - ۲۳ برگ

۶- تقدیم یک فقره لایحه راجع به معالجه کارگران مسلول بوسیله آقای وزیر کار

رئیس - آقای وزیر کار فرمائید دارید بفرمائید

لایحه ای برای معالجه کارگران مسلول تهیه شده است که با اجازه مقام ریاست تقدیم پیشگاه مجلس شورای ملی میکنم

اسلامی - اختصار نظامنامه ای دارم

۷- تقدیم لایحه اضافات ۱۳۳۰ وزارت فرهنگ و سه فقره لایحه شهریه بوسیله آقای وزیر فرهنگ

رئیس - تأمل بفرمائید آقای وزیر فرهنگ بفرمائید

وزیر فرهنگ (آقای دکتر سنجاوی) - از توجه و عنایتی که آقایان نمایندگان محترم مجلس شورای ملی همواره نسبت بامور فرهنگ مبذول می فرمائید بنده لازم می دانم بشام مسوم فرهنگیان تشکر کنم تشویقی که نسبت بفرهنگتنداری بنده از طرف آقایان نمایندگان محترم می شود در واقع اظهار علاقه و لطفی است که نسبت بکار فرهنگ و پیشرفت امور فرهنگی کشور دارند بطوری که خاطر آقایان مستحضر است سال تحصیلی فرهنگ از مهر ماه شروع می شود و با مقرراتی که ما برای پیشرفت تعلیمات اجباری داریم و کوششی که دولت باید برای اینکار بکند که از مهمترین امور مملکت است و همیشه هم مورد توجه آقایان محترم بوده است هر سال احتیاج باضافات بودجه داریم (صحیح است) که در این موقع باید بتصویب مجلس برسد که در ابتدای سال تحصیلی وزارت فرهنگ بتواند اقداماتی که لازم است انجام داده است و میتواند بخدمت خودش

شروع بکنند (صحیح است) و ما فعلاً بطور متوسط با وسائل ناقصی که داریم در سال صد هزار نفر محصل جدید داروطلب برای مدارس می پذیریم و بامدارس متوسطه و ابتدائی که موجود داریم فوق العاده در تنگنا و در مضیقه هستیم و آقایان همه می دانند که اغلب کلاسهای مدارس بیش از گنجایش آنها شاگرد دارند و همین امر هم یکی از موانعی است که سطح فرهنگ و معلومات دانشجویان پایینی آمده بوجوب مقرراتی که ما داریم در ابتدای سال تحصیلی باید فارغ التحصیل های دانشسرای عالی و دانشسراهای مقدماتی را برای خدمت در دبیرستانها و دبستانها استخدام کنیم در حدود هزار و هفتصد نفر ما فارغ التحصیل دانشسراهای مقدماتی و دانشسرای عالی داریم که متأسفانه این عده هم باز کافی نخواهد بود بطوری که آقایان مستحضر هستند در سال وزارت فرهنگ در حدود هزار تا هزار و پانصد نفر هم آموزگار و دبیر قراردادی استفاده می کنند نظریاتین موجداتی که بر عرض رسید خود آقایان نمایندگان محترم هم بخواهی متوجه هستند چنانکه در یکی از جلسات پیش هم از طرف یک عده کثیری از آقایان نمایندگان محترم تبصره ای پیشنهاد شد که از اختیارات دولت مبلنی اضافه برای بودجه سال جاری وزارت فرهنگ بدهند و این مطلب مورد توجه دولت واقع شده است و اینک لایحه ای که راجع باضافه اعتبار بودجه سال ۱۳۳۰ وزارت فرهنگ است مبلغ ۲۰۰ میلیون ریال باقیه فوریت تقدیم میکنم و امیدوار هستم که مورد توجه آقایان محترم قرار بگیرد و البته همانطور که دولت علاقه مند هستند که در درجه اول این وجوه و اعتبارات بصرف پیشرفت تعلیمات عمومی اجباری در شهرستانها برسد (مسعودی - نظر مجلس همین است) و وزارت فرهنگ بآن توجه کافی دارد و آقایان هم بمشروط توجه دارند بنابر این کوشش می کنیم پیشرفت فرهنگ را در تحت تعلیمات فنی قرار بدهیم یعنی تعلیمات کشاورزی و حرفه ای و فنی و ماسکوشش میکنیم که انشاء الله در همین سال تحصیلی پیشرفت اساسی و شایانی بکنیم البته فرهنگ اصلاحات فوق العاده دارد و ما در آخر هر سال دیپلم هائی بصورت گواهینامه و دانشنامه ب دانشجویمان متوسطه و عالی میدهم ولی کاملاً متوجه هستیم که گواهی نامه تحصیلی را ابتکار عمومی مردم که آقایان نماینده آن ابتکار عمومی هستند باید بفرهنگ بدهیم موقی کوزارت فرهنگ اعمالش مورد تصدیق ابتکار عمومی مردم و نمایندگان مجلس واقع شد آن موقع است که وزارت فرهنگ خدمتش را درست انجام داده است و میتواند بخدمت خودش

رئیس - مطابق ماده ۷۶ این است که اگر هر یک از نمایندگان در صورتیکه تخلف در اجرای آئین نامه مجلس مشاهده نماید حق دارد مورد تخلف را با استناد ب ماده مربوط بگوید حالا که تخلف نشده است اگر تخلفی شد آنوقت بفرمائید و شما ماده ۷۶ را قرائت بفرمائید و بعد این صحبتی که می خواهید بکنید معین کنید طبق چه ماده ای است (اسلامی - طبق همین ماده ای رای است که مجلس داده است یک کمیسیون حل اختلافی مجلس تعیین کرده است (اسلامی - بنده طبق همان ماده اختصار دارم) شما یک طرحی تهیه کنید یا قبل از دستور بیاورید صحبت کنید

۸- طرح فوریت لایحه راجع بمعالجه کارگران مسلول

رئیس - در ضمن لوایحی که داده شده لایحه ای مربوط بسلولین است که آقای وزیر کار دادند تقاضای دو فوریت کرده اند چون دو فوریت دارد باید طبق آئین نامه تکلیف دو فوریت آن معلوم شود (اسلامی - در سنا آقای رئیس مجلس سنا اجازه میدهند که صحبت بکنند ولی شما اجازه نمیدهید) بایستی مطابق نظامنامه است عرض کردم باید مطابق آئین نامه میکنند بی ترتیب است

رئیس - لایحه راجع بسلولین قرائت میشود

(شرح ذیل قرائت شد)

مجلس شورای ملی بطوریکه استحضار دارند چند سال متوالی است کارگران مسلول کشور شکیان زیادی مبنی بر معالجه و پرداخت دستمزد ایام بیماری و سایر مزایای خود تقدیم داشته اند برای رسیدگی بشکایات مکرر آنرا کمیسیونهای متعددی تشکیل گردیده بطور بررسی ها و مات فنی که نسبت باین موضوع

بعل آمده معلوم شده است در آمد صندوق تعاون و بیمه کارگران که مجموعاً شش درصد دستمزد و مزایای کارگران است تکافوی کلیه وظایف مصرحه را که بموجب مواد ۱۶ و ۸ و ۶ قانون کار عبارت از :

- ۱ - حوادث و امراض ناشی از کار
- ۲ - حوادث و امراض غیر ناشی از کار
- ۳ - حوادث و امراض خانواده بلائصل کارگر
- ۴ - بیری و از کار افتادگی کارگر
- ۵ - ازدواج و حاملگی - عائله مندی و وضع حمل و هزینه کفن و دفن و کمک به بازماندگان قانونی کارگر در موارد عسرت و استیصال
- ۶ - کمک بکارگران اخراجی
- ۷ - مرخصی زنان باردار میباشد نخواهد نمود و بنیه مالی این دستگاه قادر نخواهد بود هزینه سنگین شکن بیماری

خانمانسوزسرا که متأسفانه بجهت اقتصادی و بهداشتی رو بتراید است انجام دهد و از همین نظر است که تاکنون با وجود کوشش و مجاهدت فراوان موضوع شکایات کارگران مسلول لاینحل مانده و موجبات نارضایتی آنها فراهم گردیده است . چون اصولاً برای دستگیری و حمایت کارگران مسلول وضع و ایجاد قانون مخصوص ضروری میباشد باین جهت لایحه قانون حمایت و معالجه کارگران مسلول را که برای این منظور تهیه گردیده تقدیم داشته و باقیدنو فوریت تقاضای تصویب آنرا مینماید

ماده ۱ - از تاریخ تصویب این قانون کلیه کارفرمایان و موسسات اقتصادی بازرگانی صنعتی و معدنی - با بربری - راه آهن - راه و بطور کلی هر مؤسسه ای که مشمول مقررات کار میشود مکلفند علاوه بر چهاردرمدم مندرجه در ماده ۱۶ قانون کار معادل یک درمدم دستمزد و مزایای

کارگران خود را بمنظور حمایت و معالجه کارگران مسلول و ترتیب نگاهداری از آنها صندوق تعاون کارگران بپردازند تبصره ۱ - وزارت کار آئین نامه ای برای اجرای این قانون و طرز رسیدگی بتخلفات آن تهیه و پس از تصویب هیئت وزیران بموقع اجرا خواهد گذارد .

تبصره ۲ - این قانون شامل کارگرانی که از تاریخ اول سال ۱۳۲۹ مسلول شده و بیماری آنها ناشی از کار تشخیص داده شده و بهزین شرکت سهامی بیمه ایران در آسایشگاه تحت معالجه بوده اند نیز خواهد بود .

ماده ۲ - عدم تأدیبه و تأخیر پرداخت يك درصد مذکور در ماده يك درمدم مقرر مستلزم پرداخت جریمه معادل دو برابر مبلغ اصل و در صورت تکرار معادل چهار برابر مبلغ اصل در هر مورد خواهد بود که بفتح صندوق تعاون و بیمه کارگران اخذ و محسوب

خواهد شد ماده ۳ - وزارت کار مأمور اجرای این قانون میباشد .

(۹- تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه)

رئیس - فعلاً فوریت این لایحه مطرح است کارهای دیگری هم داریم یکی موضوع سن است بقیه پیشنهادات نباید مطرح شود ولایحه ای هم آقای وزیر فرهنگ داده اند که فوریت دارد باید فوریت آن مطرح شود وعده هم برای رأی کافی نیست بنابراین جلسه را ختم میکنیم و جلسه آینده برای این کارها روز یکشنبه خواهد بود و روز سه شنبه هم جلسه فوق العاده داریم که آقایان اول وقت تشریف ببرند بجلسه خصوصی وبعد هم جلسه علنی تشکیل میشود راجع بسؤالات .

(مجلس یکربح بعد از ظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی - رضا حکمت